

نقش مصر در جنگ ایران و عراق

مختار حسینی

مقدمه

هر جنگی که میان دو طرف متخاصم روی می‌دهد، یک سلسله تهدیدها و فرصت‌ها را متوجه کشورهای ثالث می‌کند و آنها را وامی‌دارد تا برای دفع تهدیدات و استفاده از فرصت‌ها در قبال جنگ و کشورهای درگیر در آن موضع‌گیری نمایند. جنگ تحمیلی نیز که با حمله همه جانبه نیروهای عراقی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ به ایران آغاز شد، از این قاعده مستثنی نیست. با آغاز این جنگ کشورهای ثالث مطابق تصویری که از منافع ملی‌شان و تهدیدها و فرصت‌های پدید آمده داشتند، موضع خود را در قبال آن تعریف کردند. اگر از سوریه، لیبی و یمن جنوبی که با وقوع جنگ به طرف ایران نزدیک شدند بگذریم مابقی کشورهای عرب به نوعی از عراق حمایت کردند. حتی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به رهبری عرفات، که رهبران انقلابی ایران از هیچ‌گونه کمکی به آن در مبارزه با اسرائیل دریغ نورزیده بودند، به محض آغاز جنگ جانب طرف عراقی را گرفت.

در میان کشورهایی که از عراق حمایت می‌کردند، مصر به دلیل اهمیتش در جهان عرب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این کشور در آستانه آغاز جنگ، با ایران و عراق رابطه دیپلماتیک نداشت. در واقع، حکومت مصر تقریباً به یک اندازه در میان مقامات کشورهای مزبور منفور و مطرود بود. هم عراق و هم ایران، رئیس‌جمهور مصر، انور سادات را به دلیل سفر به اسرائیل در ۱۹۷۷ و امضای قرارداد

کمپ‌دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح در ۱۹۷۹ خائن به آرمان‌های اعراب و اسلام می‌دانستند. با این توضیح، این پرسش مطرح می‌شود که چه عواملی باعث شد تا مصر به عنوان یک کشور میانه روی عرب با وقوع جنگ تحمیلی، به عراق رادیکال نزدیک شود و با حمایت از عراق نقش فعالی را در جنگ ایفا کند؟ در پاسخ به این پرسش به نظر می‌رسد فرضیه زیر قابلیت آزمون را داشته باشد:

«مواضع و نقش مصر در جنگ تحمیلی در چارچوب ملاحظات این کشور در دفع تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از جنگ در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای قابل ارزیابی است. از جمله این ملاحظات می‌توان به تسریع فرآیند تجدید رابطه با جهان عرب که به واسطه سیاست‌های سازش کارانه سادات در قبال اسرائیل آسیب دیده بود، احساس خطر از گسترش دامنه مبارزات و فعالیت‌های بنیادگرایان اسلامی که ایران انقلابی حمایت از آن را جزو اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده بود و دستیابی به منافع اقتصادی اشاره کرد».^۱ برای آزمون این فرضیه نیز ملاحظات سیاسی - اقتصادی مصر در ارتباط با جنگ در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، اما پیش از آن لازم است برای درک شرایطی که چنین ملاحظاتی را ایجاب کرده بود به طور جداگانه به بررسی رابطه مصر با ایران و عراق پرداخته شود.

رابطه مصر و ایران

روابط ایران و مصر را باید در چارچوب تحولاتی ارزیابی کرد که در دهه ۷۰، نخست در مصر و سپس در ایران اتفاق افتاد. لازم است یادآوری شود که مصر در فاصله سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۷۳ سیاست هایش را در چارچوب اصول پان عربیسم، سوسیالیسم و عدم تعهد تنظیم می‌کرد، اما در اواخر ۱۹۷۳ با تمایل سادات (که در ۱۹۷۰ جانشین جمال عبدالناصر شده بود) به غرب چرخش آشکاری در سیاست‌های این کشور پدید آمد. نقطه آغاز این چرخش پایان دادن به حدود سه دهه منازعه با اسرائیل بود که انعقاد قرارداد کمپ‌دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح ۱۹۷۹ را در پی داشت. با امضای این قراردادها مصر به یکی از متحدان نزدیک ایالات متحده در منطقه خاورمیانه تبدیل شد و استحقاق دریافت کمک‌های نظامی این کشور را پیدا کرد. این کمک‌ها سالانه به ۷۳ میلیارد دلار می‌رسد که از این لحاظ پس از اسرائیل در رده دوم کشورهای کمک‌گیرنده از امریکا قرار می‌گیرد. هم‌چنین، این کشور عربی در قبال سیاست چرخش به سوی غرب این‌امکان را یافته است تا

سیاست‌ها، ایران و مصر را که در طول دهه ۷۰ روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشتند هر چه بیشتر از هم دور کرد. به طوری که چند ماه پس از تغییرات انقلابی در ایران و استقرار نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره) در نامه‌ای به دکتر ابراهیم یزدی، وزیر خارجه دولت موقت، دستور قطع رابطه با مصر را به دلیل امضای پیمان خائنه با اسرائیل و اطاعت بی‌چون و چرا از امریکا و صهیونیست صادر کرد.^۳ قطع این رابطه نمودار اختلافات و تضادهای عمیق فکری-ایدئولوژیکی میان روحانیون حاکم بر ایران و نظامیان حاکم بر مصر بود. اختلافاتی که لاینحل به نظر می‌رسید و هر چه که زمان سپری می‌شد به واسطه مسائل فرعی مانند تصمیم دولت مصر به اعطای اجازه اقامت به شاه بی‌تاج و تخت ایران، حمایت ایران از جنبش‌های مبارزه جوی اسلامی و اظهارات تند مقامات رسمی دو کشور نسبت به یکدیگر بر دامنه آن افزوده می‌شد. به گونه‌ای که با حمله عراق به ایران، سادات علی‌رغم اختلافاتش با رهبران عراق از این کشور حمایت کرد و به آن تسلیحات فروخت. تحلیلگران سیاسی این اقدام

مواضع و نقش مصر در جنگ تحمیلی در چارچوب ملاحظات این کشور در دفع تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از جنگ در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای قابل ارزیابی است

به طور مشترک با ایالات متحده در تمرین‌های نظامی موسوم به ستاره درخشان که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود، شرکت کند. نخستین این تمرین‌ها در ۱۹۸۱ برگزار شد. سادات سیاست عادی‌سازی روابط با اسرائیل و نزدیکی به غرب، به ویژه ایالات متحده را با این اعتقاد در پیش گرفته بود که «منافع مردم مصر بر هر چیز دیگری حتی منافع جمعی اعراب برتری و اولویت دارد». همین اعتقاد باعث شد تا هنگامی که مصر به دلیل سیاست‌هایش از اتحادیه عرب اخراج شد، به راهی که در پیش گرفته بود هم‌چنان ادامه دهد.

نقطه مقابل تحولاتی که در دهه ۷۰ در مواضع مصر نسبت به غرب روی داد، در اواخر این دهه با یک تغییر انقلابی در ایران اتفاق افتاد و ایران را از کشوری واقع در مدار منافع غرب به خارج از آن سوق داد. در نتیجه این تغییر، کشور مزبور سیاست‌هایی مانند صدور انقلاب، مخالفت با فرآیند صلح خاورمیانه و حمایت از مبارزات جنبش‌های اسلامی مبارزه‌جو را در پیش گرفت که آشکارا با منافع غرب و متحدان نزدیکش در منطقه در تضاد بود. این

را نشانه نفرت بیش از حد سادات از انقلاب ایران ارزیابی می‌کنند.^۴ با این حال حمایت سادات از عراق با هر انگیزه‌ای که صورت گرفته باشد، آینده روابط دو کشور ایران و مصر را تیره‌تر کرد و انگیزه لازم را برای رهبران ایران فراهم آورد تا پس از ترور سادات از سوی خالد اسلامبولی در اکتبر ۱۹۸۱ از قاتل وی تقدیر کنند و خیابانی را در تهران به نام او نام‌گذاری کنند. این مسئله باعث شد تا حتی با روی کار آمدن حسنی مبارک در مصر که نسبت به سلفش مواضع متعادل‌تر و منطقی‌تری را در قبال اسرائیل و امریکا در پیش گرفت، در روابط ایران و مصر بهبودی حاصل نشود.

روابط مصر و عراق

روابط مصر و عراق به عنوان دو کشور عرب منطقه خاورمیانه همواره بر رقابت برای کسب موقعیت برتر در جهان عرب مبتنی بوده و از این رو از ثبات و استحکام چندانی برخوردار نبوده است. از نظر تاریخی، بغداد و قاهره همیشه نماینده دو قطب مخالف یکدیگر بوده‌اند. از کودتای ۱۹۵۲ افسران آزاد در مصر (که منجر به سقوط نظام

داشت که مانع از همگرایی آنها می‌شد. «قدرت افسران آزاد مصری، به خصوص بعد از زمامدار شدن ناصر بیش از قدرت بغداد یکپارچه بود. ارتش عراق براساس اقوم موجود در عراق بین کردها و عرب‌ها و بر مبنای مسلک سیاسی بین طرفداران اتحاد با جمهوری متحد عربی که تحت تأثیر حزب بعث قرار داشتند از یک طرف و رقبای آنان از طرف دیگر تقسیم شده بود. شخصیت‌های کمونیست و اعضای حزب دموکرات کردستان حتی قبل از این که به احزابشان در ابتدای سال ۱۹۶۰ رسماً اجازه فعالیت داده شود در حکومت شرکت کرده بودند. تغییر رژیم در مردم تجهیز و جنبشی را به وجود آورده بود که در آن طرفداران صلح که نزدیک به کمونیست‌ها بودند نقش اول را ایفا می‌کردند. از این رو قاسم که می‌خواست بین این نیروهای گوناگون یک موضع حد وسط و میانه‌رو اتخاذ کند مخالف اتحاد با جمهوری متحد عربی بود. زیرا برای عراق که از مصر و سوریه ثروتمند بود، تقسیم منابع با آن دو

سلطنتی و برچیده شدن نفوذ و سلطه بریتانیا در مصر گردید) تا کودتای ۱۹۵۸ ژنرال عبدالکریم قاسم (که باعث سرنگونی نظام سلطنتی عراق گردید). روابط دو کشور در چالش میان سوسیالیسم عربی و پان‌عربیسم که مصر نماینده آن بود و سلطنت و استعمار که عراق نماینده آن بود، درگیر بود. حضور نیروهای بریتانیایی در عراق برای افسران آزاد که سال‌ها علیه سلطه بریتانیا بر مصر مبارزه کرده بودند، آزار دهنده و تحریک‌آمیز بود. به ویژه این که عراق در ۲۴ فوریه ۱۹۵۵ یک معاهده اتحاد نظامی با ترکیه امضا کرده بود که سپس بریتانیا، پاکستان و ایران نیز به آن پیوسته بودند. «این معاهده به پیمان بغداد مشهور شده است. امضای پیمان بغداد تعادل سیاست بین اعراب را به کلی برهم زد. کمک نظامی غرب به عراق زیر عنوان متحد که قاعدتاً برای دفاع در مقابل شوروی بود، رقبای دیرینش (سوریه، مصر و عربستان) را نگران می‌کرد. رهبران مصر در اصل مخالف با وجود اتحاد منطقه‌ای نبودند بلکه

امضای پیمان بغداد تعادل سیاست بین اعراب را به کلی برهم زد. کمک نظامی غرب به عراق زیر عنوان متحد که قاعدتاً برای دفاع در مقابل شوروی بود، رقبای دیرینش (سوریه، مصر و عربستان) را نگران می‌کرد

کشور به خاطر پیوستن به جمهوری متحد عربی نه تنها منفعتی دربرنداشت بلکه این کشور را در یک موضع سیاسی تابع قرار می‌داد». این رقابت‌ها و ملاحظات باعث شد تا روابط دو کشور پس از یک دوره روابط گرم و صمیمانه کوتاه، در سال ۱۹۵۸ تنش آلود و سپس قطع شود. در دسامبر همین سال عارف و رشید عالی گیلانی به اتهام توطئه به نفع جمهوری متحد عربی بازداشت و محاکمه شدند. در مارس سال بعد، یک شورش نظامی به طرفداری از ناصر در موصل برپا گردید که به سرعت توسط مبارزان کمونیست و کردهای موصل سرکوب گردید. این رویدادها نشان داد که هنوز اختلاف بزرگ موجود در جهان عرب اختلاف میان بغداد و قاهره است. به طوری که حتی مشارکت عراق در فرماندهی نظامی مشترک با مصر در ۱۹۶۴ و سپس در پیمان دفاعی دوجانبه با مصر و اردن در ۱۹۶۷ نیز بر بی‌اعتمادی دوجانبه و رقابتی که وجه مشخصه روابط دو کشور بود، فایق نیامد. با روی کار آمدن سادات در سپتامبر ۱۹۷۰ فضای نسبتاً مناسبی برای گسترش روابط مصر و عراق به وجود آمد؛ زیرا، سادات در سیاست‌هایش، ادعاهای پان‌عربیستی را که مشخصه دوران ناصر بود،

می‌خواستند نقش اول آن را خود برعهده داشته باشند و هم‌چنین مخالف شرکت مستقیم بریتانیا در این اتحاد بودند. تجربه‌ای که از معاهده سال ۱۹۳۶ داشتند، حساسیت آنها را نسبت به تهدیدی که یک اتحاد نظامی نابرابر برای استقلال کشورشان داشت برمی‌انگیخت.^۵ گذشته از حضور بریتانیای استعمارگر، غیر عرب بودن بیشتر اعضای پیمان بغداد، مانعی جدی برای پیوستن مصر به این پیمان بود؛ زیرا، این اقدام می‌توانست ضربه‌ای جدی بر سیاست‌های پان‌عربیستی ناصر وارد آورد. با کودتای ژنرال عبدالکریم قاسم در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ و سرنگونی نظام سلطنتی در عراق انتظار می‌رفت که از این به بعد دو کشور مصر و عراق بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی خود را گسترش دهند. با توجه به این که کودتای ۱۹۵۸ عراق شش ماه بعد از تأسیس جمهوری متحد عربی متشکل از سوریه و مصر روی داده بود و این جمهوری نخستین کشوری بود که رژیم کودتا را در بغداد به رسمیت شناخته بود، تصور می‌شد که عراق نیز به آن خواهد پیوست. اما با وجود شباهت‌های سطحی، تفاوت‌های عمیقی میان دو رژیم نظامی عراق و مصر وجود

حکومت بغداد جلب خواهد کرد و عراق را مورد قدردانی و حق شناسی کشورهای خلیج فارس که از سرایت احتمالی انقلاب ایران نگرانند قرار خواهد داد. یک پیروزی، عراق را به صورت قدرت مسلط منطقه در خواهد آورد، چه بسا خواهد توانست خوزستان را از ایران جدا سازد، خواه برای این که یک حکومت جداگانه در آن جا به وجود آورد یا آن را به عراق ملحق سازد که در این صورت منابع نفتی عراق به سطح عربستان سعودی خواهد رسید. مسلماً در برآوردهای مزبور این فرض مستتر بوده است که جنگ، کوتاه مدت و پیروزی بر یک دشمن از هم پاشیده و منزوی [در منطقه و جهان] آسان خواهد بود.^۷ البته، هر چند عراق توانست با تحمیل جنگ به ایران انقلابی، حمایت شیخ نشین های ثروتمند حوزه خلیج فارس را به دست آورد، اما این فرض نادرست که جنگ با ایران کوتاه مدت خواهد بود، تمام برنامه های این کشور را برهم زد و آن را مجبور کرد تا اختلافاتش را با رقیب دیرینه اش در جهان عرب کنار بگذارد. مصر نیز این فرصت را که حاوی منافع فراوان سیاسی و اقتصادی برایش بود، غنیمت شمرد و نقش فعالی در جنگ به حمایت از طرف عراقی برعهده گرفت.

نقش مصر در جنگ ایران و عراق

از آغاز جنگ تا آزادسازی خرمشهر در ۳ خرداد ۱۳۶۱ به دست رزمندگان ایران، شرایطی که مستلزم ایفای نقش فعال مصر در جنگ باشد، وجود نداشت. این امر سه دلیل عمده داشت: نخستین و مهم ترین دلیل موضع برتر نیروهای عراقی در جبهه های جنگ بود. دومین دلیل، عدم تمایل سادات به ایفای چنین نقشی بود؛ زیرا، او به طور یکسان از رهبران دو کشور درگیر در جنگ که مخالف سرسخت سیاست هایش در قبال اسرائیل بودند، نفرت داشت. سومین دلیل عدم تمایل شیخ نشین های ثروتمند حوزه خلیج فارس به پشتیبانی از ایفای چنین نقشی توسط مصر بود. این دلایل باعث شد تا مصر در این دوران تنها به فروش تسلیحات به طرف عراقی اکتفا کند، اما با ترور سادات در اکتبر ۱۹۸۱ و چند ماه بعد فتح خرمشهر و پیروزی هایی که رزمندگان ایران در جبهه های جنگ به دست آوردند، شرایط برای مداخله گسترده تر مصر فراهم شد. در مصر، حسنی مبارک به قدرت رسیده بود، در جبهه های جنگ، ایران از حریف برتر بود و در میان شیوخ عرب حوزه خلیج فارس، نیاز به یک پشتیبان منطقه ای، به ویژه پشتیبانی که فاصله اش از صحنه نبرد به آنان اطمینان

تعدیل کرد. البته، در پدید آمدن این فضا ثبات روبه رشد نظام دولت - ملت در خاورمیانه و سرخوردگی از سیاست های آرمانی دوره پیش از ۱۹۶۷ که پیروزی اسرائیل را در جنگ شش روزه (جنگ ژوئن) به همراه آورده بود نیز تأثیر داشته است. واقعیات فوق باعث نزدیکی دو کشور مصر و عراق در نیمه نخست دهه ۷۰ گردید. نقطه اوج این نزدیکی در ۱۹۷۵ بود. در این سال صدام حسین در مقام نایب رئیس شورای فرماندهی عراق به قاهره سفر کرد. او در این سفر از نقش پرزیدنت سادات در مذاکرات مربوط به حل اختلافات مرزی ایران و عراق که منجر به امضای قرارداد ۱۹۷۵ در الجزایر گردیده بود، تقدیر کرد و رسماً از وی برای دیدار از بغداد دعوت به عمل آورد. سادات این دعوت را پذیرفت و در سفر به بغداد تمایل خود را برای

از دیدگاه مصر جنگ ایران و عراق یک بازی با حاصل جمع صفر نبود که در آن بُرد یکی لزوماً با باخت دیگری مساوی باشد

میانجیگری در اختلافات عراق با سوریه و کویت اعلام نمود، اما این بار نیز بهبود روابط مصر و عراق چندان دوام نیاورد و با آغاز نیمه دوم دهه ۷۰ روابط دو کشور دچار تنش و نهایتاً قطع شد؛ زیرا، عراق با سیاست های سازش کارانه ای که سادات در قبال اسرائیل در پیش گرفته بود، به شدت مخالف بود. عراقی ها سادات را به خاطر سفر به بیت المقدس در نوامبر ۱۹۷۷ و امضای قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۸ و پیمان صلح ۱۹۷۹ با اسرائیل مقصر می دانستند و می کوشیدند تا با توجه به موج اعتراضات شدید جهان عرب نسبت به سیاست های سازشکارانه سادات با اسرائیل از آن به نفع خود بهره برداری کنند. از این رو، در کنفرانس اتحادیه عرب که در ۱۹۷۹ میزبانی آن را در بغداد برعهده داشتند از همه امکانات خود برای تحریم عربی مصر استفاده کردند. با این تحریم عراق امکان می یافت تا با منزوی کردن مصر در جهان عرب، برای کسب رهبری و گسترش نفوذش در آن با خیالی آسوده تر و هزینه هایی کم تر تلاش کند. دستیابی به این هدف می توانست منافع سیاسی و اقتصادی فراوانی برای این کشور به همراه داشته باشد. با این حال، اشتباه محاسبه عراق در حمله به ایران، مصر را از بحرانی که در روابطش با اعراب پدید آمده بود، رهانید. تصور عراق این بود که «جنگ با یک حریف غیرعرب، هم بستگی اعراب را به نفع

دو کشورهایی اسلامی اند و میان آنها رابطه دوستی برقرار بوده، حمایت نکرده است. من امیدوارم که ما نقش میانجی را میان ایران و عراق ایفا کنیم. من علت آنچه را که باعث شده تا ایران موضع تندی در برابر ما اتخاذ کند نمی دانم اگرچه ما به عراق آنقدر کمک نمی کنیم که عملیات های نظامی تهاجمی [این کشور] را علیه ایران ممکن سازد. ما از مذاکرات و میانجیگری برای حل مسائل حمایت می کنیم. ما هرگز به عراق سلاح تهاجمی که با آن به ایران ضربه بزند ارائه نکرده ایم. این هرگز اتفاق نیفتاده است ما آن گونه که برخی تصور می کنند هیچ نیروی نظامی در عراق نداریم. ما در جنگ تخصص داریم. ما در جنگ نمی توانیم یک نیروی ناکامل اعزام کنیم. اگر ما می خواستیم که به عراق نیرو بفرستیم می بایست یک نیروی کامل می فرستادیم.^۹ البته،

بدهد که در را به آسانی به روی قدرت منطقه ای حریص دیگری نمی گشایند؛ به خوبی احساس می شد. ضمن این که در سال ۱۹۸۲، عراق با اعزام یک هیئت نظامی به قاهره خواستار افزایش سطح همکاری نظامی مصر شده بود. مصر در واکنش به تقاضای عراقی و شرایط به وجود آمده با احتیاط عمل کرد. مصریان ضمن این که پذیرفتند سطح کمک و همکاری های نظامی خود را با عراق افزایش دهند، اما از پذیرش این که همکاری هایشان از چارچوب های تعریف شده فراتر رود و به مداخله مستقیم در جنگ منجر شود، خودداری کردند. فیلیپ استودارد* برای خودداری مصر از مداخله مستقیم، سه دلیل زیر را ارائه کرده است:

(۱) آگاهی مصریان از ارزش استراتژیک ایران و خطرات احتمالی بیگانگی ایران از همسایگان عربش در بلندمدت؛

روابط مصر و عراق به عنوان دو کشور عرب منطقه خاورمیانه همواره مبتنی بر رقابت برای کسب موقعیت برتر در جهان عرب بوده و از این رو، از ثبات و استحکام چندانی برخوردار نبوده است

مبارک نه تنها در طول جنگ، بلکه پس از جنگ نیز نظرات خود را درباره ایجاد موازنه در برابر ایران تکرار کرده است. او بعد از جنگ آمریکا با عراق و ضعف شدن موقعیت منطقه ای این کشور با تأکید بر ضرورت عراق نیرومند که بتواند با تهدیدات و تحرکات آرمان گرایانه ایران در ورای مرزهایش مقابله کند، گفت: «اگر عراق به جای حمله به کویت به حرف های او گوش کرده بود، ایران وزن واقعی و جایگاهش را در جهان درک می کرد زیرا تنها عراقی ها می توانند موازنه قدرت را در برابر تهران برقرار و تضمین کنند». ^{۱۰} با توجه به این که در طول جنگ تحمیلی، سوریه و لیبی طرفدار ایران بودند، مصر نیز از این که برای ایجاد موازنه به طرفداری از عراق ایفای نقش کند، ابایی نداشت. در واقع، همان گونه که سوریه و لیبی خود را موظف به تأمین تسلیحات ایران می دانستند، مصر نیز تدارک تسلیحات، مشاوره نظامی و همکاری در پروژه های نظامی عراق را وظیفه خود می دانست. جدول شماره ۱ نوع تسلیحاتی را که مصر در جنگ به عراق فروخته است، نشان می دهد:

مصر افزون بر سلاح های مندرج در جدول مزبور، به واسطه خودکفایی اش در زمینه تولید مهمات، بخش

(۲) اعتقاد به این که سرانجام دستیابی به توافق امکان پذیر است و از این رو سودمندترین نقش برای سایر کشورهای عربی در این زمینه، تأمین بقای عراق و تقویت توانایی هایش برای مذاکرات صلح با ایران است؛ و

(۳) خاطره تلخ مصریان از ماجراجویی مصیبت بار ناصر در دهه ۱۹۶۰ در یمن.^{۱۱}

به نظر می رسد که برای فهم نقش و موضع مصر در طول جنگ، باید به بررسی شیوه نگرش این کشور در قبال منازعه پدید آمده پرداخت. از دیدگاه مصر جنگ ایران و عراق یک بازی با حاصل جمع صفر نبود که در آن بُرد یکی لزوماً با باخت دیگری مساوی باشد؛ زیرا، آنها پیروزی کامل هیچ یک از دو طرف (حتی عراق) را در راستای منافع خود ارزیابی نمی کردند، چرا که این امر می توانست تهدیدی جدی برای نقش منطقه ای مصر باشد. برپایه همین نگرش، این کشور کوشید تا نقش یک موازنه گر را ایفا کند. نقشی که بر مبنای آن رابطه و همکاری نظامی با عراق از حدود قدرت ایستادگی این کشور در برابر ایران فراتر نمی رفت. مبارک در مصاحبه اش با مجله لبنانی السفیر با تأکید بر سیاست موازنه درباره نقش مصر در جنگ ایران و عراق ادعا کرد: «مصر هیچ گاه از جنگ میان عراق و ایران که هر

*Philip Stoddard

جدول شماره ۱: آمار فروش تسلیحات مصری به عراق در طول جنگ

توضیحات	تعداد تحویل	سال تحویل	تعداد سفارش شده	سال سفارش	مدل	نوع تسلیحات
این هواپیما با همکاری برزیل در مصر مونتاژ می‌شود و قابلیت انجام مأموریت‌های نظامی را نیز دارد.	۸۰	۱۹۸۵ - ۸۷	۸۰	۱۹۸۳	EMB-312	هواپیمای آموزشی تاکابو
این هواپیماها مدل چینی میگ ۲۱ هستند که با کمک چین در مصر مونتاژ می‌شوند.	۷۰	۱۹۸۳ - ۸۷	۷۰	۱۹۸۳	اف - ۷	هواپیمای جنگنده
این هواپیما مدل چینی میگ ۲۹ هست که در مصر مونتاژ می‌شود.	۱۰	۱۹۸۳	—	۱۹۸۳	اف - ۶	هواپیمای جنگنده
این تانک‌ها ساخت شوروی سابق هستند.	۲۵۰	۱۹۸۱ - ۸۳	۲۵۰	۱۹۸۱	تی - ۵۵	تانک رزمی
این تانک، مدل رومانیایی تانک تی - ۵۵ شوروی است.	۱۴۰ - ۶۰	۱۹۸۳ - ۸۴	—	۱۹۸۳	تی - ۵۵	تانک رزمی
این راکت‌انداز ساخت شوروی سابق است.	۱۵۰	۱۹۸۵ - ۸۷	—	۱۹۸۵	BM-21	راکت‌انداز چند لول
این راکت‌انداز از نوع مصری راکت‌انداز BM-21 ساخت شوروی است.	۱۰۰	۱۹۸۷	۱۰۰	۱۹۸۷	صفر - ۳۰	راکت‌انداز چند لول
مدل این موشک ممکن است سوینگفایر باشد.	۱۰۰	۱۹۸۱	—	۱۹۸۱	AT-3	موشک ضد تانک
این بالگرد در مصر مونتاژ می‌شود.	—	—	۱۰	۱۹۸۷	غازیل	بالگرد
این محموله تصدیق نشده است.	—	—	—	۱۹۸۷	عبین‌الصقر	موشک زمین به هوا
این محموله تصدیق نشده است.	—	—	۴۰	۱۹۸۷	SA-6	موشک زمین به هوا

* SIPRI Year book , Various Years, Oxford university Press

درخور توجهی از نیازهای عراق را تأمین کرده است و در زمینه تأمین قطعات یدکی مورد نیاز ماشین جنگی عراق نیز نقش مهمی داشته است؛ زیرا، هر دو کشور در دهه های ۶۰ و ۷۰ توسط اتحاد شوروی سابق تأمین تسلیحاتی شده بودند. این وضعیت به مصر امکان می داد تا در طول جنگ کمبودهای عراق را در زمینه قطعات یدکی جبران کند.

یکی دیگر از حوزه های همکاری مصر و عراق در طول جنگ، همکاری در پروژه های موشکی بوده است. روی هم رفته مصریان در سه پروژه موشکی عراق به نام های العباس، الحسین و بدر ۲۰۰۰ همکاری کرده اند. البته، تمرکز این

بر پایه گزارش های معتبر منابع بی طرف، تعداد نامعلومی از افسران نظامی مصر طبق برنامه، مهاجرت اختیاری مصر با ارتش عراق در طی جنگ تحمیلی همکاری کرده اند

همکاری ها روی پروژه بدر ۲۰۰۰ بوده است. هدف از این پروژه تولید موشک های بالستیک با بُرد ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر بود. گذشته از مصر، آرژانتین و گروه CONSEN نیز در پروژه مزبور با عراق همکاری کردند. در پایان سال ۱۹۸۴، مصر، آرژانتین و عراق قراردادهایی را امضاء کردند که سرمایه گذاری عراقی ها را در پروژه بدر ۲۰۰۰ تثبیت می کرد. بر پایه طرح های اولیه، آرژانتین موظف بود که ده فروند از این نوع موشک ها را تولید و آزمایش کند و سپس پنج فروند را به وزارت دفاع و تولیدات نظامی مصر و پنج فروند دیگر را نیز به عراق تحویل دهد. منابع آگاه تخمین می زدند که در پایان کار هر یک از این سه کشور به دویست فروند از این نوع موشک ها دست می یافتند.^{۱۱}

یکی دیگر از عرصه های همکاری مصر و عراق، در زمینه تسلیحات شیمیایی بوده است. مصر یکی از محدود کشورهای جهان است که خیلی زود به تسلیحات شیمیایی دست یافته است. شواهد متقنی نیز وجود دارد که از چنین تسلیحاتی در جنگ یمن (۱۹۶۳-۱۹۶۷) استفاده کرده است. این کشور دارای بیش از سیصد واحد صنعتی فعال در زمینه صنایع شیمیایی است که در هنگام ضرورت قابلیت تولید تسلیحات شیمیایی را دارند.^{۱۲}

این سابقه و توانایی ها، ادعاهایی را درباره همکاری مصر و عراق در طول جنگ هشت ساله با ایران در زمینه تولید تسلیحات شیمیایی مطرح کرده است. به طوری که روزنامه جروسالم پست* در ۱۹۸۹ به نقل از منابع قابل

اعتماد نوشت: «مصریان سال ها با عراق در زمینه تولید و ذخیره سازی تسلیحات شیمیایی همکاری کرده اند».^{۱۳} روزنامه نیویورک تایمز نیز با درج گزارشی در این زمینه نوشت: «مصر در طول جنگ هشت ساله ایران و عراق در کنار تسلیحات متعارف در خصوص تسلیحات شیمیایی نیز با عراق همکاری کرده است».^{۱۴} البته، دولت مصر چنین ادعاهایی را رد کرده و مدعی است که همکاریشان با عراق در صنایع شیمیایی جنبه تدافعی داشته است. وزیر مشاور در تولیدات نظامی مصر در این باره می گوید: «همکاری های مصر و عراق در زمینه صنایع شیمیایی جنبه تدافعی داشته است. مصر تنها در زمینه تولید وسایل و تجهیزات حمایتی و حفاظتی در برابر تسلیحات شیمیایی و راه اندازی کارخانه های دفاعی - صنعتی با عراق همکاری کرده است».^{۱۵} مصر گذشته از زمینه های سخت افزاری که در بالا به آن اشاره شد، در زمینه های نرم افزاری نیز در طول جنگ به عراق کمک کرده است. هر چند سطح این نوع همکاری ها دقیقاً روشن نیست، اما بر پایه گزارش های معتبر منابع بی طرف، تعداد نامعلومی از افسران نظامی مصر طبق برنامه «مهاجرت اختیاری» مصر با ارتش عراق در جنگ همکاری کردند. برنامه مهاجرت اختیاری به افسران مصری اجازه می داد تا با تقاضای بازنشستگی پیش از موعد برای مشاورت، رایزنی و حتی ایفای نقش های رزمی تخصصی نظامی به ارتش عراق بپیوندند. این عده با تشکیل گروه های ارزیاب ضمن بررسی وضعیت جبهه های جنگ، پیشنهادهای لازم را برای اتخاذ تاکتیک های جنگی در عملیات ها به هم تیان عراقی شان ارائه می کردند.^{۱۶}

ملاحظات و انگیزه های مصر برای ایفای نقش فعال

در جنگ

ملاحظات و انگیزه هایی که مصر را به سوی ایفای نقش فعال در جنگ ایران و عراق سوق داد، می تواند در دو سطح ملی و منطقه ای که در تیررس بُرد منافع ملی مصر قرار دارند مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

سطح ملی

ملاحظات مربوط به سطح ملی حول دو محور اساسی متمرکز است: امنیت داخلی و وضعیت اقتصادی.

*Jerusalem Post

۱) امنیت داخلی

رویکرد حکومت اسلامی ایران نسبت به غرب و اسرائیل شباهت‌های نسبتاً زیادی با دیدگاه‌های اسلام‌گرایان مصری داشت. سوم این‌که، ایران آشکار از مبارزات جنبش‌های اسلامی در سایر کشورها از جمله مصر که کانون حرکت‌های اسلامی است، حمایت می‌کرد. چهارم این‌که، حکومت اسلامی ایران تضادهای عمیقی با حکومت مصر به دلیل قرارداد کمپ دیوید، عادی سازی روابط با اسرائیل و رابطه نزدیک سیاسی - نظامی با امریکا، داشت.

حکومت مصر مسائل مزبور را تهدیدی جدی علیه امنیت خود می‌دانست. و از این رو، در پی فرصتی مناسب برای مقابله با آن بود. حمله عراق به ایران این فرصت را پدید آورد. مصر نیز از این فرصت استفاده کرد تا با تقویت

مصر از جمله کشورهای است که در نیم قرن گذشته، به دلیل فعالیت بنیادگرایان اسلامی با مشکلات فراوانی در زمینه تأمین امنیت داخلی خود روبه‌رو بوده است و این مشکل حتی اکنون که در سال‌های آغازین سده ۲۱ به سر می‌بریم نیز، در سطح محدودتری وجود دارد. هدف اصلی بنیادگرایان اسلامی تأسیس حکومت اسلامی است. گروه جهاد اسلامی و طلایه‌داران فتح از این جمله‌اند. خالد اسلامبولی که در اکتبر ۱۹۸۱ سادات را ترور کرد، عضو گروه جهاد بود. اخوان المسلمین از جمله گروه‌های اسلامی است که از دهه ۷۰، شیوه‌های مسالمت‌آمیز را برای رسیدن به هدف در پیش گرفته است. این گروه که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا تأسیس شد، خیلی زود در مصر

بیشتر تسلیحات مهم و استراتژیک مصر و عراق در آغاز دهه ۸۰ ساخت اتحاد شوروی بود که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خریداری شده بودند. این تشابه به مصر امکان می‌داد تا قطعات یدکی مورد نیاز ماشین جنگی عراق را از محل ذخایر تسلیحاتی خود فراهم کند

عراق در برابر ایران، بتواند تمایلات آرمان‌گرایانه و فرامرزی این کشور را مهار تبدیل کند.

۲) منافع اقتصادی

کسب منافع اقتصادی یکی از ملاحظات و انگیزه‌هایی بود که مصر را به سمت حمایت از عراق سوق داد. در طول جنگ، مصریان به عراق به عنوان بازار مطلوبی برای فروش تسلیحات می‌نگریستند. این مطلوبیت یک علت بسیار مهم داشت و آن هم تشابه نوع تسلیحات موجود در انبارهای مصر با تسلیحاتی بود که عراق در جنگ مورد استفاده قرار می‌داد. بیشتر تسلیحات مهم و استراتژیک مصر و عراق در آغاز دهه ۸۰ ساخت اتحاد شوروی بود که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ خریداری شده بودند.^{۱۷} این تشابه به مصر امکان می‌داد تا قطعات یدکی مورد نیاز ماشین جنگی عراق را از محل ذخایر تسلیحاتی خود فراهم کند. گذشته از این با توجه به محدودیت‌هایی که به واسطه سیاست‌های بین‌المللی کنترل تسلیحات برای کشورهای درگیر در جنگ وجود داشت، مصر از یکطرف ذخایر تسلیحاتی خود را به روی عراق گشود؛ اقدامی که دقیقاً در راستای سیاستی بود که این کشور از میانه دهه ۷۰ برای جایگزینی تسلیحات ساخت شوروی با تسلیحات غربی در پیش گرفته بود و از طرف دیگر، نقش واسطه را میان عراق و تولیدکنندگان تسلیحات

و سایر کشورهای اسلامی هواداران زیادی به دست آورد. اخوان تا دهه ۷۰ از روش‌های خشونت‌آمیز نیز استفاده می‌کرد اما از آن به بعد این روش‌ها را به خاطر فضای نسبتاً باز سیاسی دوران سادات و تغییراتی که در کادر رهبریش صورت گرفته بود کنار گذاشت. این تغییر خط مشی باعث جدا شدن اعضای رادیکال از آن شد و هرچند اعضای انشعاب کرده اخوان، مجدداً خود را در قالب گروه‌های رادیکال نوظهور دیگر سازماندهی کردند، اما از دیدگاه حکومت وقوع انشعاب در بزرگ‌ترین گروه مخالفش موفقیتی بزرگ به شمار می‌آمد؛ زیرا، دولت می‌توانست با فراهم آوردن فضای مناسب برای فعالیت گروه‌های متعهد به قواعد بازی سیاسی مانند اخوان المسلمین از یکسو چهره دموکراتیکی از خود به نمایش بگذارد و از سوی دیگر، گروه‌هایی را که حاضر به پذیرش قواعد بازی سیاسی نبودند در افکار عمومی منزوی و سپس سرکوب کند، اما وقوع انقلاب اسلامی در ایران حکومت مصر را بسیار نگران کرد. این نگرانی چند علت عمده داشت: نخست این‌که پیروزی انقلاب و برقراری حکومت اسلامی در ایران، اسلام‌گرایان مصری را بیش از گذشته نسبت به امکان ایجاد حکومت اسلامی در مصر امیدوار کرده بود. این امیدواری می‌توانست باعث تحریک و تشویق آنها به تشدید فعالیت‌هایشان علیه حکومت گردد. دوم این‌که،

تسلیحات به ملاحظات اقتصادی دیگری نیز در همکاری با عراق توجه داشته‌اند. این ملاحظات به طور مستقیم با یکی از منابع عمده درآمد مصر ارتباط دارد. به طور کلی، مصر پنج منبع درآمد دارد. این منابع عبارت‌اند از: فروش نفت، عوارض و حق ترانزیت ناشی از کانال سوئز، صنعت گردشگری، فروش پنبه و درآمدهای ناشی از خیل عظیم مصریانی که در خارج مشغول به کار هستند. از میان این پنج منبع درآمد، آخرین منبع در ملاحظات مربوط به همکاری با عراق مورد توجه بوده است؛ زیرا، در آستانه جنگ ایران

ایفا کرد و با این اقدام منافع مضاعفی به دست آورد. طبق اطلاعات و آمارهای مؤسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم، مصر در فاصله سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۷ (۱۳۶۲-۱۳۶۶) رتبه چهاردهم را در میان کشورهای صادرکننده تسلیحات در جهان داشته است که در این میان، فروش‌های تسلیحاتی به عراق سهم عمده‌ای را در احراز این رتبه داشته است.^۸ جدول زیر ارزش صادرات تسلیحات مصر را در سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۷ به دلار آمریکا و برحسب قیمت‌های ثابت سال ۱۹۸۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲*: درآمد مصر از فروش تسلیحات طی سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۷

۱۹۸۳-۱۹۸۷	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳
۸۶۲	۱۵۸	۱۲۶	۱۱۳	۱۴۱	۳۲۵

و عراق تعداد درخور توجهی از مصریان در عراق مشغول به کار بودند. تعداد مصریان در عراق از حداقل چهارصد هزار نفر (که به وسیله برخی عراقی‌ها تخمین زده می‌شد) تا حداکثر دو میلیون نفر (که خود مصریان تخمین می‌زدند) اعلام شده است. اما منابع بی‌طرف تعداد آنها را تا قبل از آغاز جنگ در حدود ۷۲ تا ۷۳ میلیون نفر تخمین زده‌اند که با آغاز جنگ میان ایران و عراق به یک میلیون نفر کاهش

ارزش صادرات تسلیحات مندرج در جدول مزبور برای مصر یک رکورد به‌شمار می‌آید؛ زیرا، ارزش صادرات تسلیحات این کشور پس از پایان جنگ ایران و عراق به تدریج کاهش یافت. این کاهش علی‌رغم پیشرفت‌های نسبی مصر در صنایع دفاعی‌اش به دلیل ناتوانی در بازاریابی و از دست دادن بازار مطلوبش در عراق است. مصریان افزون بر منافع و ملاحظات مربوط به فروش



*SIPRI Yearbook 1998, 176-177

سطح منطقه‌ای

۱) سطح منطقه‌ای عربی

در سطح منطقه‌ای، حوزه عربی و کشورهای غیرعرب از هم قابل تفکیک است. در سطح عربی آنچه که مصر را به سمت حمایت از عراق در برابر ایران سوق داد تلاش این کشور برای بهبود روابطش با کشورهای عربی بود که به واسطه سیاست‌های سازشکارانه سادات در قبال اسرائیل به شدت آسیب دیده بود. چنانکه پیشتر اشاره شد، سفر سادات به اسرائیل، قرارداد کمپ دیوید و پیمان صلح با اسرائیل، مصر را در اواخر دهه ۱۹۷۰ از جهان عرب منزوی نموده بود. این انزوا موقعیت این کشور را به عنوان مرکز ثقل جهان عرب در معرض تهدیدی جدی قرار داده بود. مصر همیشه به واسطه سابقه تاریخی، وسعت و جمعیت نسبتاً زیاد و موقعیت ژئواستراتژیکی اش، برجسته‌ترین کشور جهان عرب بوده است. این برجستگی منافع فراوان سیاسی و اقتصادی برایش به همراه داشته است؛ بنابراین، مسلماً قطع رابطه اجباری با جهان عرب به هیچ وجه در راستای منافع مصر نبود، اما تا زمانی که سادات زنده بود (اکتبر ۱۹۸۱)، به دلیل اتکا و اعتماد بیش از اندازه اش به ایالات متحده و نیز تأکیدش بر این که «سیاست خارجی مصر تنها بر منافع مصر و ارزش‌هایی که تنها ماردان مصر احساس می‌کنیم مبتنی است»^{۱۱}، تلاش در خور توجهی برای احیای روابط با کشورهای عربی انجام نشد. با روی کار آمدن مبارک، این وضعیت به دلیل اعتماد کم‌تر وی به ایالات متحده و اسرائیل و توجه خاصش به جهان عرب تغییر کرد؛ زیرا، او پایان دادن به انزوای اجباری مصر از جهان عرب را اولویت اصلی سیاست خارجی اش اعلام کرده بود. مبارک در آغاز نخستین دوره ریاست جمهوری اش گفت: «مصر بخشی از امت عرب است و از این رو نه از امت عرب جدا می‌شود و نه آرزوها و آمال این امت را کنار می‌گذارد»^{۱۲}. این سخنان برای غالب مصریانی که کشورشان را بخشی جدایی‌ناپذیر از امت عرب می‌دانستند، نویدبخش بازگشت مصر به آغوش وطن عربی بود. با این حال، بازگشت به اتحادیه عرب در آن شرایط به تغییر آشکاری در سیاست مصر در قبال اسرائیل (برای نمونه لغو قرارداد کمپ دیوید و پیمان صلح) نیازمند بود؛ چیزی که مبارک حاضر به انجام آن نبود؛ زیرا، اعتقاد داشت «فرآیند تجدید رابطه با جهان عرب باید شأن مصر را حفظ کند و نباید کشور را در جان‌فشانی‌های پرهزینه به خاطر کشورهای دیگر درگیر کند»^{۱۳}. البته، مبارک تا

یافته است. با این حال، تعداد مصریان در عراق به اندازه‌ای زیاد بود که در تمام سطوح و بخش‌های مختلف اقتصادی به چشم می‌خوردند. بیشتر مصریان که عمدتاً مهاجر قدیمی به شمار می‌آمدند در بخش کشاورزی، فعالیت می‌کردند. پس از این بخش، صنعت نفت بیشترین تعداد مصریان را به خود جذب کرده بود. طبق تخمین‌های اتحادیه کارگران عراق، ۶۰ درصد نیروی کار در بخش صنعت نفت را مصریان تشکیل می‌دادند. دولت مصر هر ساله از قبل وجوه ارسالی این کارگران سود فراوانی به دست می‌آورد، بانک‌های عراقی محدودیت‌های شدیدی برای انتقال سرمایه کارگران مصری وضع کردند. این محدودیت‌ها دولت مصر را از بخشی از درآمدهایش

در آستانه جنگ ایران و عراق، تعداد درخور توجهی از مصریان در عراق مشغول به کار بودند. تعداد مصریان در عراق از حداقل چهارصد هزار نفر تا حداکثر دو میلیون نفر اعلام شده است

محروم کرد، اما وقوع جنگ ایران و عراق این فرصت را در اختیار دولت مصر قرار داد تا با نزدیک شدن به عراق، به ویژه از ۱۹۸۲ که این کشور به واسطه چند عملیات پیروزمند رزمندگان ایرانی شدیداً به همکاری کشورهای مانند مصر نیازمند بود، محدودیت‌های وضع شده را برطرف کند و البته مصر به هدف خود رسید؛ زیرا در اگوست ۱۹۸۳، قرارداد اقتصادی با عراق امضا کرد که بر مبنای آن محدودیت‌های وضع شده برای انتقال سرمایه از عراق به مصر برطرف گردید. این توافق باعث شد تا انتقال سرمایه به مصر در سال ۱۹۸۳ نسبت به سال قبل تقریباً به دو برابر بالغ شود^{۱۴} (از ۵۸۰ میلیون دلار به حدود ۱ میلیارد دلار). واقعیات فوق به خوبی نشان می‌دهد که برای حکومت مصر ملاحظات و منافع اقتصادی تا چه اندازه در تصمیم این کشور به حمایت از عراق در طول جنگ تحمیلی نقش داشته است و البته همین ملاحظات در جریان بحران کویت نیز در تصمیم مصر برای پیوستن به ائتلاف بین‌المللی تحت رهبری آمریکا و انگلیس علیه عراق نقش مهمی ایفا کرد. مهم‌ترین دستاورد شرکت مصر در ائتلاف مزبور بخشش چهارده میلیارد دلار از بدهی‌های خارجی اش بود.^{۱۵}

اندازه‌ای موضع کشورش را در قبال اسرائیل تعدیل کرد، ولی این تعدیل به صورتی نبود که به قربانی کردن دستاوردهای سیاست سلفش منجر شود. جنگ ایران و عراق راهگشای این بن‌بست شد. این جنگ بهترین فرصت را برای مصر فراهم کرد تا برای بهبود روابطش با کشورهای عربی تلاش کند. ضمن این که اعراب نیز دریافتند که نمی‌توانند به سادگی موقعیت ممتاز مصر و توانایی هایش را نادیده بگیرند. به همین دلیل بود که با آغاز جنگ، موضع عراق در قبال مصر صددرصد درجه تغییر کرد. به گونه‌ای که از یک کشور برجسته عرب مخالف قرارداد کمپ دیوید و پیمان صلح مصر - اسرائیل به یک کشور هدایت‌کننده حرکت همگرایی مجدد مصر در مجامع اسلامی و عربی تبدیل شد. در جلسه اواسط ژانویه ۱۹۸۴، فرماندهی انقلاب عراق نه تنها با قاطعیت به بازگشت بی‌قید و شرط مصر به سازمان کنفرانس اسلامی رأی داد، بلکه با حرارت تمام به نفع چنین بازگشتی سخن راند. در مارس همان سال، معاون اول نخست‌وزیر عراق، طاهایاسین رمضان، در پایان دیدار چهار روزه معاون نخست‌وزیر مصر از بغداد، فرمول آشتی جویانه‌ای را پیشنهاد کرد که بر اساس آن مصر می‌توانست دوباره به اتحادیه عرب بازگردد.^۳

نقشی که مصر در طول جنگ ایران و عراق ایفا کرد، عملاً سودمندی خود را برای بهبود روابط مصر و جهان عرب در سال ۱۹۸۴ نشان داد. در این سال، اردن روابط دیپلماتیک خود را با مصر از سر گرفت. تحلیلگران سیاسی این رویداد را نقطه آغازی بر پایان انزوای مصر در جهان عرب می‌دانند؛ زیرا، پس از اقدام اردن در برقراری روابطش با مصر به تدریج سایر کشورهای عربی نیز روابط خود را با این کشور مجدداً برقرار کردند. اجلاس سران اتحادیه عرب در امان از تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۶ طی قطع‌نامه‌ای راه را برای از سرگیری رسمی روابط کشورهای عربی با مصر هموار کرد و عراق بلافاصله بعد از این اجلاس روابط دیپلماتیک خود را با مصر آغاز کرد.

۲) سطح منطقه‌ای غیرعربی

همان ویژگی‌هایی که به مصر موقعیت ممتازی در سطح جهان عرب می‌بخشد، در سطح منطقه‌ای غیرعربی نیز چنین موقعیتی را برای این کشور فراهم می‌کند البته، با این تفاوت که در این سطح، کشورهایی مانند ایران قرار دارند که به واسطه پتانسیل‌های بالقوه‌شان می‌توانند موقعیت و نقش منطقه‌ای این کشور را به چالش بکشانند. پیروزی

انقلاب در ایران صرف‌نظر از جنبه‌ها و داعیه‌های اسلامی چنین چالشی را به وجود آورده بود؛ زیرا، نظام سیاسی که پس از انقلاب در ایران روی کار آمد، هیچ نقشی را برای مصر در سطح منطقه قائل نبود. ضمن این که توانایی‌های مصر برای تأثیرگذاری بر روندها و فرآیندهای منطقه‌ای به واسطه تحریم اعراب و اخراج از اتحادیه عرب به مخاطره افتاده بود. در این شرایط، منافع مصر ایجاب می‌کرد تا برای بازیابی نقش منطقه‌ای خود به انزوایش در جهان عرب خاتمه دهد. جنگ ایران و عراق، به ویژه هنگامی که طرف ایرانی در موقعیت تهاجمی قرار گرفت و جنگ را به درون خاک عراق کشاند، فرصت لازم را برای مصر پدید آورد. برتری‌ها و پیروزی‌های ایران پس از فتح خرمشهر هم عراقی‌ها و هم شیخ‌نشین‌ها را به یک حد نگران کرد و آنها را مجبور نمود تا از همه توانایی‌هایشان برای مهار ایران استفاده کنند. توسل به مصر برای ایفای نقش فعال‌تر در جنگ یکی از راه‌هایی بود که به نظر آنها می‌رسید و این همان چیزی بود که مصریان در ملاحظات منطقه‌ای خود به آن توجه داشتند؛ زیرا از دیدگاه آنها، حمایت از عراق در برابر ایران در راستای منافع‌شان در سطح منطقه بود. حمایت از عراق به منزله یک کشور عربی در برابر ایران به عنوان یک کشور غیر عرب و انقلابی به تسریع فرآیند تجدید رابطه مصر با کشورهای عربی کمک می‌کرد و این حمایت باید تا آن جا ادامه می‌یافت که به ایستادگی عراق در برابر ایران کمک کند نه این که به پیروزی کامل آن بر ایران منجر شود، چرا که در این صورت، عراق با در اختیار گرفتن منابع غنی انرژی ایران می‌توانست ارزش استراتژیک خود را در منطقه افزایش دهد و به این‌گونه چالشی - حتی سخت‌تر از ایران - را در برابر موقعیت و نقش مصر در منطقه و جهان عرب ایجاد کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، نقش مصر در طول هشت سال جنگ ایران و عراق و انگیزه‌ها و ملاحظات این کشور برای ایفای چنین نقشی در سه سطح ملی، عربی و منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه‌ای که از این بررسی حاصل می‌شود این است که مصر در طول این جنگ نقش فعالی به حمایت از طرف عراقی ایفا کرده است. انگیزه‌ها و ملاحظات این کشور در سطح ملی دو بعد داشته است، یکی بعد مربوط به امنیت داخلی و دیگری بعد اقتصادی. در بعد امنیتی، این کشور به دنبال دفع تهدید ناشی از انقلاب اسلامی در ایران و

Magazine in 2. April 1984, Quoted in Philip Stoddard, opcit, pp.42-43.

10. Gopal A.Nauawad, Egypt Regional Role After Desert Storm.

11. *Jane's Intelligence Review*, october 1992, pp.456-457.

12. *The Middle East Military Balance*.

13. Gordon M.Burch & Charles C.Flouerrec, *International Handbook on Chemical Weapons Prolifration*; New York: Greenwood Press, 1991, p.229.

14. Ibid.

15. Ibid.

16. Philip H Stoddard, Op. Cit, p.50.

17. *Military Balance 1980*.

18. *SIPRI Yearbook 1988*, pp.176-177.

19. Philip Stoddard, Op.Cit.pp.49-50.

20. Gopal A.Nauawod.Op.Cit.

21. Sadat Speech to the Egyptian Student's Federation in Alexandria, 3 April 1974, Quoted in Mci aurin Op.Cit,p.69.

22. *Egyptian State Information Service Web Site*.

23. Ibid.

24. John Devlin, *Iraqi Military Policy: From Assertiveness to Defense, in Gulf security & the Iran-Iraq War*, Edited by Thomas Naff, National Defense university Press, 1985.p.148.

برنامه‌های آن برای حمایت از مبارزات جنبش‌های اسلامی بوده است؛ زیرا، فعالیت بنیادگرایان اسلامی در نیم قرن گذشته مهم‌ترین تهدید برای امنیت داخلی مصر بوده است. در بعد اقتصادی ملاحظات و منافع ناشی از فروش تسلیحات و هم‌خوانی آن با برنامه‌ها و سیاست‌های دفاعی این کشور برای تغییر سخت‌افزار جنگی ساخت شوروی به سخت‌افزار غربی، به‌ویژه آمریکا و ملاحظات مربوط به شمار زیادی از مصریانی که در دهه ۸۰ در عراق مشغول به کار بوده‌اند، مورد توجه تصمیم‌گیران مصری بوده است؛ زیرا، این کارگران سالانه برای کشورشان مقادیر زیادی ارز آوری داشتند. در سطح عربی توجه مقامات مسئول به استفاده از جنگ به عنوان فرصتی برای بازگشت به آغوش جهان عرب بود که به واسطه سیاست‌های سازشکارانه سادات در قبال اسرائیل به شدت آسیب دیده بود. در سطح منطقه‌ای نیز، رقابت با ایران برای ایفای نقش برتر در خلیج فارس و به طور کلی خاورمیانه مورد توجه بوده است.

یادداشت‌ها

1. *Jane's Defence Weekly* 28 February 1996, pp.22-24.

2. Sadat Speech to the Egyptian Student's Federation in Alexandria, 3 April 1974, Quoted in R.D. McLaurin et al., *Foreign Policy Making in the Middle East* (New York: Praeger, 1977), p.69.

۳. امام خمینی (ره)؛ صحیفه نور؛ جلد ۶ تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۰۸.

4. Philip H.Stoddard, *Egypt and Iran-Iraq war, in Gulf Security And The Iran-Iraq War*, Edited by Thomas Naff, National Defense University Press, 1985, p.44.

۵. ژان پی یر درنیک، خاورمیانه در قرن بیستم، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۸، صص ۲۵۴-۲۵۳.

۶. همان، صص ۲۷۳-۲۷۴.

۷. همان، ص ۴۶۱.

8. Philip H.Stoddard, opcit, p.42.

9. Mubarah's Interview with As-Sayyid Lebnanese